

## ابن سینا ترجمان زبان گوئی ایران باستان برای متأخرین حکمت و فلسفه ایرانی اسلامی

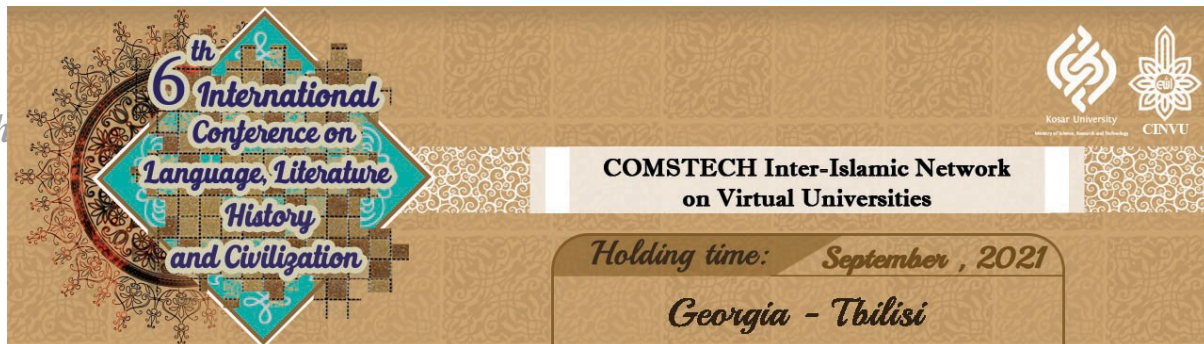
ابوالفضل طبخ پور بنان صوفی

دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

### چکیده

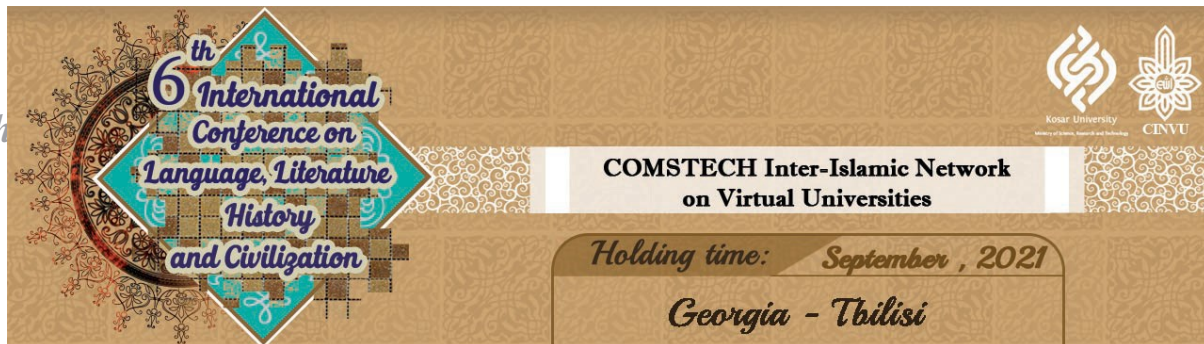
مرحوم دکتر محمد معین در جلد دوم مزدیسنا و ادب پارسی صفحه ۳۲۲ می فرمایند که ابن سینا gaya پهلوی را که به معنای موجود زنده است را در اثر عدم آشنایی با زبان فارسی پهلوی به صورت گویا در زبان فارسی دری خوانده است و در زبان عربی نیز به ناطق ترجمه کرده، ما در مقاله حاضر می کوشیم تا با استناد به الفاظ حی و حیوان که در منطق شفا و سایر آثار منطقی ابن سینا به زبان عربی و لغت جان در دانشنامه علائی ثابت کنیم که شیخ در خوانش و فهم و ترجمه لغت پهلوی gaya به حی و حیوان و جان دچار اشتباه نشده است و این لغت را به خوبی آن گونه که می بایست ترجمه کرده است و لفظ ناطق در آثار منطقی عربی مانند منطق شفا و غیر هم و هم چنین لفظ سخن گو در دانشنامه علائی ابن سینا به هیچ وجه حاصل خوانش و فهم و ترجمه اشتباه لغت پهلوی gaya که در جای خود به درستی به حی و حیوان و جان ترجمه شده است نیست بلکه لغات ناطق و سخن گو ترجمه لوگوس یونانی است که در واقع در نقش مصاف الیه مستقلاً پس از ذکر حی و حیوان و جان به عنوان ترجمه تام و تمام gaya پهلوی می آید تا متمم آن قرار گیرد این ترجمه شیخ به گونه ای در سنت فلسفی اسلامی در طول تاریخ جا افتاد و تثبیت شد که متاثران شیخ نیز بر همین طریق رفتند چنان که حکیم ناصر خسرو بلخی قبادیانی در صفحه ۹۷ جامع الحکمتین می نویسد حد مردم زنده سخن گوی میرنده نهادند که دکتر معین نیز این مطلب را در پاورقی هفتم صفحه ۳۲۴ همان کتاب آورده اند همچنین بنا بر قول خود مرحوم دکتر معین در همان کتاب در صفحه ۳۲۱ ذکر کرده اند که از نظر سهروردی حی ناطق مفهومی است منطبق بر دو گروه: نخست حی ناطق جاویدان شامل فرشتگان و ساکنان عالم بالا و همچنین ادامه میدهند که در نیایش هورخش کبیر شیخ شهاب الدین سهروردی خطاب به خورشید گوید اهلا بالهی الناطق و در پاورقی مربوط به این عبارت در همان صفحه ارجاع داده اند به مقاله ی خودشان که در مجله یغما شماره دوم صفحه ۸۸ به طبع رسیده است، همچنین است تعریف انسان در آثار مرحوم آخوند و سایر فلاسفه صدرایی متأخر بر ایشان مانند مرحوم حاجی سبزواری و مرحوم علامه طباطبایی که در اصل مقاله به بررسی نمونه های آن به صورت مبسوط خواهیم پرداخت.

**واژگان کلیدی:** سانکریت، فارسی باستان، فارسی اوستایی، فارسی پهلوی، فارسی دری، زبان یونانی، زبان عربی، لوگوس، گواکیه، گایا، گای، گی، مارتان، ماشا، مارتایا، مارت، مارتوم، مارد، زی، جیویه، جویه، جیویتی، جیوا، جیوتی، ژیوت، ژیوستن، ژیوندک، عروض شیخ، ساکن، متحرک، شفا، دانشنامه علائی، تطبیق، ترجمه، بوطیقا، اصل یونانی موجود، ارسطو



## مقدمه

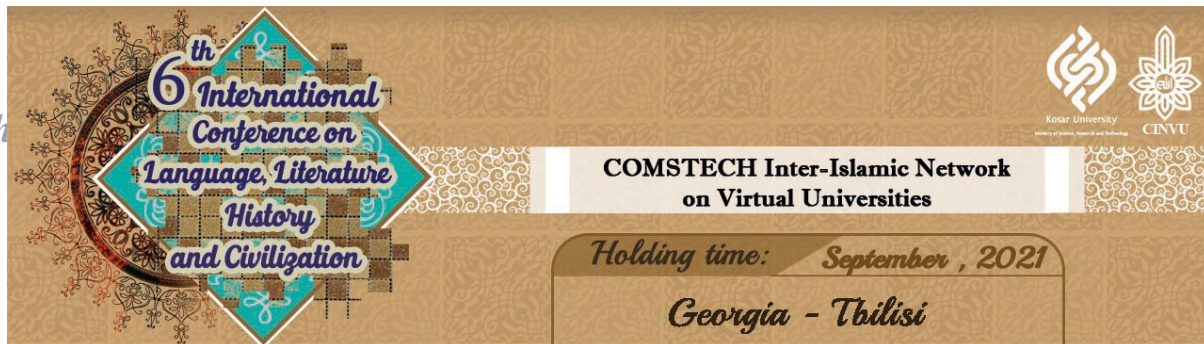
دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در پاورقی صفحه ۳۴۲ کتاب موسیقی شعر مینویسند ابن سینا و بسیاری از فلاسفه اسلامی به دلیل عدم آشنایی با فرهنگ و ادبیات یونانی، بوطیقا را به درستی نفهمیده و غالب مباحث آن را با تصویری غلط شرح کرده اند مانند آنچه در باب طراغودیا و قومدیا گفته اند. ما میکوشیم تا ترجمه ابن سینا از بوطیقا را با اصل یونانی موجود تطبیق داده و صحت این ادعا را بررسی کنیم اما پیش از این مهم بهتر است ادله خود ایشان را در این باب بسنجیم. اولاً این که آقای دکتر شفیعی کدکنی در صفحه ۳۴۰ همان فصل می نویسد (ابن سینا در باب شعر آرای دیگری [غیر از جوامع علم الموسیقی شفا] نیز عرضه کرده است که می توان تفصیل آن ها را در فن شعر شفا و گاه در خلال فن خطابه شفا یافت اما قابل یادآوری است که در آن دو کتاب بیشتر تلخیص کننده ی دو اثر بسیار مهم ارسطو است به نام بوطیقا و رطوریقا) در عبارات مذکور شاید تنها لفظی که میتواند به گونه ای از تصرف مترجم در متن دلالت کند واژه تلخیص باشد، اما تلخیص چگونه تصرفی است؟ آیا تصرفی است که کلمه ای را به گونه ای دیگر و با معنایی غیر ما وضع له تعبیر و تفسیر می کند؟ یا این که بخشی را مسکوت میگذازد؟ یقیناً تعریف ما از تلخیص تعریف نخست نیست، اما مسکوت گذاشتن بخشی از متن آیا می تواند دلالت بر نفهمیدن متن داشته باشد؟ با توجه به عبارات (بوطیقا را به «درستی» نفهمیده) بجای اینکه بگوید (به «تمامی» نفهمیده) این فرض را تقویت میکند که مراد از نفهمیدن مسکوت گذاشتن متن نیست به علاوه این که در ادامه مینویسد (با تصویری غلط شرح کرده اند) که این یعنی اولاً تصویری وجود داشته است، ثانیاً عبارت (شرح کرده اند) دلالت بر این معنی میکند که به متن پرداخته شده است، پس واژه تلخیص نمیتواند بینه ای بر این ادعا باشد همچنین جمله ایشان در انتهای پاراگراف اول صفحه ۳۴۲ همان فصل از همان کتاب که می گوید: فن شعر شفا جز تلخیص کورکورانه ای از بوطیقای ارسطو نیست. غالباً اصطلاح کورکورانه به معنی وفاداری مبالغه آمیز به امری خاص اطلاق می شود و این معنی را به ذهن متبادر میکند که مترجم کاملاً به اصل متن وفادار بوده و این خوانش از عبارت دکتر شفیعی کدکنی را قرینه ای دیگر تقویت میکند و آن این که در همان صفحه جوامع علم الموسیقی را به عنوان بخشی که دارای نظرات مبتکرانه شیخ درباره موسیقی و عروض در شعر می باشد در مقابل فن شعر قرار می دهد چنانکه در دو سطر آخر همان صفحه می نویسد (ابن سینا در جوامع علم الموسیقی ظاهراً به کتاب خاصی نظر نداشته و از مجموعه دانش موسیقایی خویش که گاه وارد علم عروض و زمانی وارد مباحث مربوط به مخارج حروف می شود بهره مند بوده است) یا جمله متقدم بر آن که می فرمایند (من بر آنم که این اثر ابن سینا [جوامع علم الموسیقی]، به لحاظ بعضی اشارات و نکته ها در باب شعر و موسیقی شعر، مهم ترین کاری است که وی در باب شعر انجام داده است زیرا فن شعر شفا جز... ملاحظه می فرمایید که قرائن درون متن خلاف و نقیض ادعا را ثابت کرد همچنین ما می کوشیم تا در مقاله حاضر با استناد به بخش ریاضیات کتاب شفا و همچنین بوطیقا که ذیل بخش منطق شفا قرار گرفته و مقایسه نظرات شیخ با سایر عروضیان من جمله شمس قیس در عروض سنتی و بزرگان عروض جدید مانند مرحوم خانلری دقت نظر ایشان را در این علم بسنجیم در مورد پیشینه تحقیق به زبان فارسی در باره زبان از نگاه ابن سینا باید عرض کنم که جناب آقای ساسان سپنتا در نشریه آینده سال پنجم بهار هزار و سیصد پنجاه و هشت شمارگان یک و



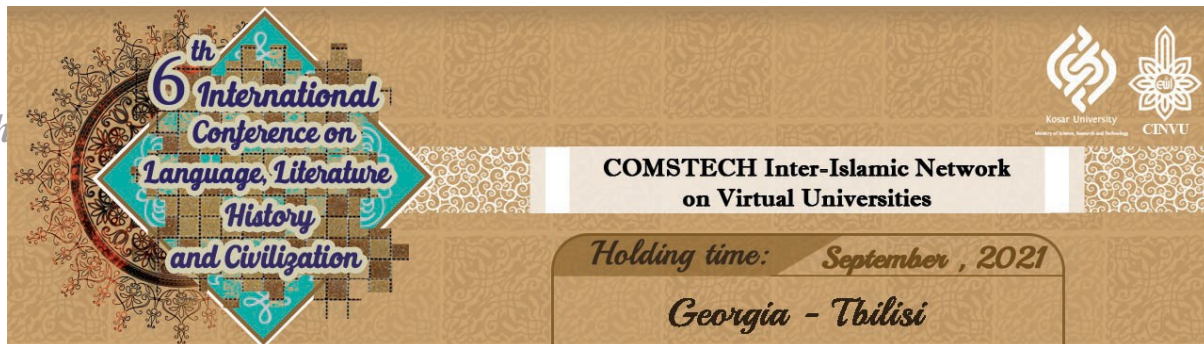
دو سه مقاله ای تحت عنوان ابن سینا و ابتکارات زبان شناسی به طبع رسانده اند که در آن به مباحث مربوط به واج شناسی پرداخته شده است که اگر چنانچه عروض مد نظر ابن سینا عروض جدید بود که بر مبنای تقطیع به هجای کوتاه و هجای بلند بود می توانست به عنوان منبعی مفید در تحقیق ما مورد استفاده قرار گیرد همچنین است مطالب کارنامه ابن سینا تالیف فریدون جنیدی و نگرش های زبانی ابن سینا تالیف دکتر محمد راسخ مهندسی استادیار دانشگاه بوعلی سینا همدان و میراث صوت شناسی ابن سینا و مقایسه آن با مفاهیم و حوزه های مشابه در زبانشناسی ساختاری تالیف خانم سپیده چیت ساز اما آنچه ما در عروض سنتی به طور کلی و در آثار شیخ به خصوص می بینیم تقطیع بر مبنای ساکن و متحرک است که البته باید بر تقطیع به هجای کوتاه و هجای بلند ترجیح داده شود جهت توضیح بیشتر در این باره باید عرض کنم که حدود چند ماه پیش مقاله ای می خواندم که در فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) سال هفتم- شماره دوم- تابستان ۱۳۹۳- شماره پیاپی ۲ تحت عنوان سکتۀ عروضی در شعر ناصر خسرو در صفحات ۵۳الی ۶۸ سرکار خانم حکیمه دبیران و جناب آقای امیر درواری نویسنده در مقدمه می گوید سکتۀ عروضی حاصل مکث و وقفهای در شعر است که از تبدیل دو هجای کوتاه به یک هجای بلند و با اعمال اختیار تسکین در مواضعی خاص، پدید می آید. با توجه این که تقطیع سنتی بر مبنای ساکن و متحرک جزئیات بیشتری نسبت به تقطیع هجایی ارائه می دهد بسیاری از این قسم تسکین ها عملاً توجیه می شود در ثانی نباید یای کسره که خاص زبان خراسان و عراق عجم است را در خوانش شعر ناصر خسرو فراموش کرد برای توضیح بیشتر راجع به جزئیات بیشتر و دقیق تری که عرض کردم در عروض سنتی نسبت به عروض جدید وجود دارد به مثال زیر توجه کنید فاع لاتن متحرک ساکن (ساکن) متحرک ساکن متحرک ساکن در عروض سنتی بلند کوتاه بلند بلند در عروض جدید فاعلاتن متحرک ساکن (متحرک) متحرک ساکن متحرک ساکن در عروض سنتی بلند کوتاه بلند بلند در عروض جدید می بینید که تفاوت ها خود را در تقطیع به ساکن و متحرک نشان می دهند

**(پیشینه تحقیق و پاسخ به یک اشکال)**

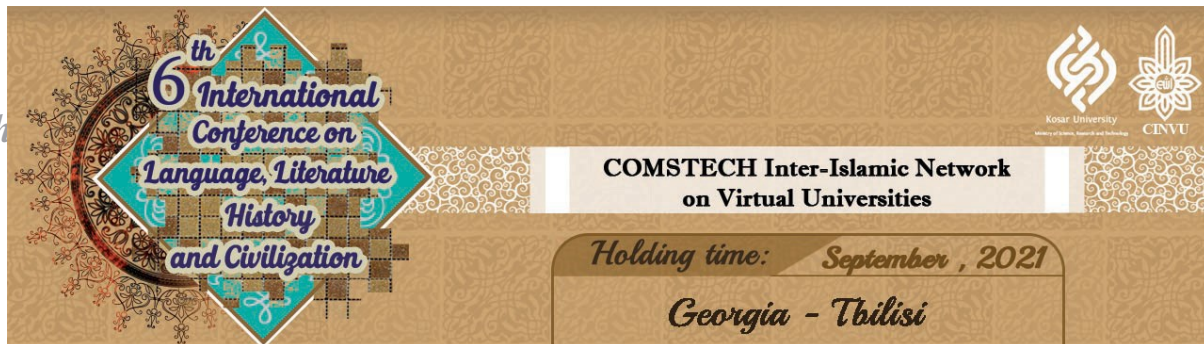
دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی در اواخر صفحه ۳۳۹ و اوایل صفحه ۳۴۰ از فصل ابن سینا و موسیقی شعر در کتاب موسیقی شعر به طبع رسیده توسط انتشارات آگاه می فرماید که: (ابن سینا در باب شعر آراء دیگری نیز عرضه کرده است که می توان تفصیل آن ها را در فن شعر شفا و گاه در خلال فن خطابه شفا یافت اما قابل یادآوری است که در آن دو کتاب بیشتر تلخیص کننده دو اثر بسیار معروف ارسطو است به نام بوطیقا (فن شعر poetics) و رطوریکا (فن خطابه Rhetoric) که قبل از او نیز بسیاری از شارحان و مترجمان آثار ارسطو بدان پرداخته بوده اند و پس از او نیز همه فلاسفه و علمای بلاغت- آن ها که از دیدگاهی فلسفی به شعر و بلاغت نگریسته اند- بگونه ای با این دو اثر ارسطو سرو کار داشته اند و هر کس رساله کوچکی هم در منطق نوشته به نوعی در باب صناعات خمس مستقیم یا غیر مستقیم تحت تأثیر این دو کتاب بوده است) در رابطه با همین مسئله ابن سینا در مقدمه فصل اول از فن شعر منطق شفا که ترجمه آن در صفحات ۷۷ الی ۱۵۰ کتاب بوطیقای ارسطو به روایت حکمای اسلامی ترجمه دکتر سید محمود یوسف ثانی طبع انتشارات موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران آمده است درباره شعر به طور کلی و انواع ساخت های شعری و اقسام



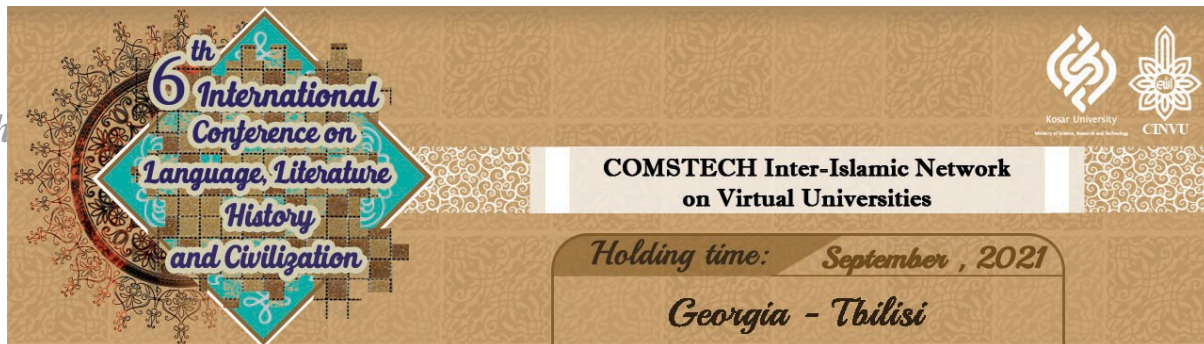
اشعار یونانی می نویسد که (شعر کلامی خیال انگیز است که از بخش های موزون و مساوی ساخته شده باشد و به عقیده اعراب علاوه بر این ها مقفی هم باشد) این عبارت (و به عقیده اعراب علاوه بر این ها) دلالت می کند بر این که جمله ماقبل واو عطف ترجمه عین عبارت ارسطو در فن شعر می باشد ولیکن ابن سینا در ترجمه خود از بوطیقا ارسطو در کنار وفا داری کامل به اصل متن صرفاً در حد متن بوطیقای ارسطو باقی نمانده است و صنایع دیگری را نیز که در شعر یونانی وجود نداشته اند و یا این که جزو وجوه مشترک میان شعر یونانی و ادبیات سایر ملل محسوب نمی شده اند در نظر گرفته است و این امر منجر به وجود حذف و اضافه هایی در ترجمه شیخ از متن بوطیقای ارسطو شده است که این امر منجر به مطرح شدن این مسئله می شود که آیا این قسم از دخل و تصرف در اصل یک متن از نظر اخلاق علمی مذموم و گونه ای از انتحال و سرقت ادبی تلقی می شود یا خیر که با توجه به وجود واو عطف و قید عبارت (به عقیده اعراب علاوه بر این ها) بعد از آن، فرض دوم است که به حقیقت نزدیک تر به نظر می رسد. عابد الجابری در کتاب ما و میراث فلسفی مان ترجمه سید محمد آل مهدی طبع نشر ثالث صفحه ۹۷ از فصل کنکاش در ریشه های فلسفه غربی در شرق جهان اسلام ذیل بخشی تحت ابن سینا در مورد خود سخن می گوید نوشته است که: (ابن سینا از دادن هرگونه اطلاعی در مورد زندگی علمی و فکری و طرح ها و کارهای خود و تعیین جایگاه های آن ها نسبت به حقیقت اندیشه و جغرافیای فکری روزگارش هیچ تردیدی به خود راه نمی دهد) لذا بنا بر این توصیف عابد الجابری از حیات حرفه ای و علمی شیخ ما در واقع با مترجمی مواجه هستیم که به نظر نمی رسد هیچ گونه امساکی در تبیین مبانی مطرح شده در متن مورد نظرش نسبت به خواننده روا دارد البته لازم به ذکر است که شیخ نیز مانند هر متفکر دیگری اجتهادات و نظرات شخصی خود را داشته است که برخی از این اجتهادات و نظرات ابداعی و غیر مسبوق ایشان در طول اعصار و قرون متمادی همواره مورد توجه اهل علم قرار گرفته است برای نمونه به این مثال توجه کنید دکتر محمد ذبیحی در کتاب فلسفه مشاء با تکیه بر اهم آراء ابن سینا در صفحه ۱۹ باب تقسیم بندی علوم فصلی را ترتیب داده اند تحت عنوان امتیازات تقسیم ابتکاری ابن سینا که در آنجا چنین آمده که: (طبقه بندی ابن سینا بر آمده از طبیعت و جوهر خود علوم است نه اینکه قرار دادی باشد زیرا با همه گستردگی ای که علوم دارند آن گاه که به ذات علم می نگریم یا اثر و حکم آن دایمی است یا غیر دایمی و چنانچه نسبت علم به همه اجزای زمان یکسان باشد این چنین علمی حکمت و حکمت دارای اصول فروع و توابع است) یا مطلبی که استاد ضیا موحد در صفحه ۴ مقدمه تاملاتی در منطق ابن سینا و سهروردی در تشریح مقاله ای تحت عنوان نظریه قیاس های شرطی ابن سینا می آورد و می نویسد که: (ارسطو دریافته بود که قیاس هایی هست با مقدمه های شرطی که تحویل آن ها به قیاس های حملی ناممکن است و در تحلیل اول وعده داده بود رساله ای در این مورد بنویسد اما ظاهراً حل این مشکل را به آیندگان سپرد ابن سینا که اهمیت این قیاس ها را در ریاضیات و علوم دریافته بود بنا بر آنچه نوشته برای این مشکل روشی پیدا می کند و آن را از ابداعات در منطق و افزوده خود بر آن می شمارد) همچنین سرکار خانم مریم سالم عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی در پاراگراف آخر مقدمه مقاله تقسیم موجود به واجب و ممکن به طبع رسیده در فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت دانشگاه شهید بهشتی بهار ۹۴ شماره ۳۴ صفحه ۲۳ می نویسد که: (در این مقاله با بررسی پیشینه بحث وجوب و امکان در آثار فلاسفه پیش از ارسطو و تبیین نظر فارابی و



ابن سینا در آثار مختلفشان این نکته را ثابت می‌کنیم که به کارگیری دو مفهوم واجب و ممکن برای اتصاف موجودات خارجی، اولین بار از سوی فارابی و ابن سینا مطرح شده است و در فلاسفه پیشین سابقه‌ای نداشته است) هکذا آقایان محمد صالح طیب نیا دانشجوی دکتری فلسفه مشاء دانشگاه تربیت مدرس تهران و رضا اکبریان استاد گروه حکمت و فلسفه دانشگاه تربیت مدرس دانشگاه تهران و محمد سعیدی مهر دانشیار گروه حکمت و فلسفه دانشگاه تربیت مدرس تهران در صفحه دوم مقاله تفاوت رویکرد ارسطو و ابن سینا در اثبات وجود خدا به طبع رسیده در مجله علمی پژوهشی الهیات تطبیقی سال سوم شماره هفتم بهار و تابستان ۱۳۹۱ می‌نویسند که: (با آن که فارابی و ابن سینا نسبت به روش قیاسی و استدلال برهانی ارسطویی وفادار بودند و آن را کلید هر گونه بحث علمی می‌دانستند اما با اصول فلسفی جدیدی که پایه‌گذاری کردند در محتوای فلسفه ارسطویی تغییرات مبنایی ایجاد کرده و تلاش نمودند که فلسفه نوینی منطبق با اصول اندیشه اسلامی بنا نهند) و ایضا سرکار خانم مریم سالم دانشجوی دکتری فلسفه مشاء و محمد سعیدی مهر دکتری فلسفه و دانشیار دانشگاه تربیت مدرس و رضا اکبریان دکتری فلسفه و کلام اسلامی و استاد دانشگاه تربیت مدرس در مقاله تحلیل معنایی علیت در فلسفه ارسطو و ابن سینا به طبع رسیده در دو فصلنامه علمی پژوهشی حکمت سینوی مشکوه النور سال ۱۴ شماره ۴۴ پائیز و زمستان ۱۳۸۹ صفحه ۱۳ می‌نویسند که: (هم ارسطو و هم ابن سینا به علت ایجاد معتقدند، با این تفاوت که ایجاد در فلسفه ارسطو تبدیل قوه به فعل و در فلسفه ابن سینا، تعلق وجود محمولی از ناحیه علت فاعلی به ماهیت است). ثانیاً با توجه به بخشی از مقدمه‌ای که مترجم در صفحات ۲۴ الی ۳۱ از این کتاب نوشته اند ظاهراً این گونه به ذهن متبادر می‌شود که ابن سینا در اوایل بوطیقا به دنبال ارائه ترجمه‌ای طابق النعل بالنعل از فن شعر ارسطو نبوده است و بیشتر در صدد ارائه تعریف خود نسبت به مفهوم شعریت بوده و در واقع پرداخت شیخ به متن بوطیقای ارسطو از فصل دوم ترجمه ایشان بر بوطیقا آغاز می‌شود علی‌الخصوص آنجا که در صفحه ۲۴ مقدمه می‌فرمایند که (فن شعر شفا را به طور کلی به دو بخش می‌توان تقسیم کرد بخش نخست عبارت از فصل اول است که مربوط به دیدگاه‌های خود ابن سینا درباره شعر و دوازده نوع شعر یونانی است) و در همین رابطه باز هم در همان صفحه از مقدمه بعد از یک سطر و نیم در پاراگراف سوم جهت تبیین این مسئله که حتی در آنجا که شیخ به خود متن بوطیقای ارسطو پرداخته است نیز تلاش ایشان برای فهم و تفسیر بوطیقای ارسطو ترجمه تحت‌اللفظی صرف نبوده است و باز هم بنا به تصریح مترجم در ادامه همین مطلب تبیین می‌شود که تفسیر شیخ برای فهم و تفسیر بوطیقای ارسطو همراه جرح و تعدیل می‌باشد چنان که در پاراگراف سوم از صفحه ۲۴ می‌نویسد که (بخش دوم حاصل تلاش شیخ برای فهم و تفسیر همراه با جرح و تعدیل فن شعر ارسطو است) و بعد در ادامه ترجمه شیخ را از متن بوطیقای ارسطو به مثابه ترجمه‌ای آزاد و تفسیری از رأی ارسطو عنوان می‌فرماید چنان که در توضیح نوع دوم از انواع سه‌گانه حکم و اصلاح در روش‌شناسی ترجمه ابن سینا بر بوطیقای ارسطو در اواخر صفحه ۲۴ و اوایل صفحه ۲۵ مقدمه مذکور تصریح می‌فرماید که (۲. ترجمه آزاد یا تلخیص قریب به اصل که با «قال» شروع نمی‌شود ولی با ترکیب مطالبی افزون بر سخنان ارسطو با شرح ابن سینا همراه است) ایشان همچنین در مورد چگونگی و کم و کیف تلخیص ابن سینا از متن بوطیقای ارسطو که موجب تفاوت ترجمه ابن سینا با متن بوطیقای ارسطو شده است در صفحه ۲۵ پاراگراف دوم می‌نویسد که (هر فصل مشتمل بر بخشی از



فن الشعر معلم اول است که به لحاظ حجم مطالب مورد تاکید در آن با فصل متناظر آن در کتاب ارسطو متفاوت است) و بعد از دو سطر جهت تبیین موضوع مثال می زنند که (فصل های دوازده تا نوزده در فصل ششم شرح ابن سینا تلخیص شده است) و یا این که دو مورد از تصرفات شیخ را در مثال های ارسطو در آخر همان پاراگراف این گونه ذکر می فرماید که (در دو مورد به جای مثال های ارسطو خودش مثال هایی را جایگزین آن ها می کند) یکی دیگر از جاهایی که به وجود نظر شخصی ابن سینا درباره تعریف مفهوم شعریت اشاره می شود ابتدای پاراگراف آخر صفحه ۲۵ مقدمه کتاب است که آمده (دیدگاه شیخ در باره فن الشعر که سبب می شود گاهی به شرح مطالب آن پردازد و گاه از آن فاصله بگیرد دو جنبه عمده دارد: جنبه منطقی و جنبه خطایی. جنبه منطقی حاصل نگاهی به منطق است که فن شعر و خطابه را از اجزای منطق به شمار می آورد امری که در آثار خود ارسطو چنان نبوده است) البته ایشان پیش از این فصل در صفحه ۱۸ مقدمه نیز به آرای خاص ابن سینا در ترجمه اش از بوطیقای ارسطو اشاره فرموده اند چنان که می نویسند (در این میان رساله های سه فیلسوف بزرگ فارابی، ابن سینا و ابن رشد از جایگاه خاصی برخوردارند و مشتمل بر آراء خاص این فیلسوفان در باب شعر می باشند) لذا بنا به استنادات مذکور اجتهاد شیخ در باب فن شعر بر کسی پوشیده نیست. دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی در سطر پایانی صفحه ۳۴۰ و اوایل صفحه ۳۴۱ فصل ابن سینا و موسیقی شعر کتاب موسیقی شعر طبع انتشارات آگاه می فرمایند که: (ابن سینا در پایان فن شعر خویش می گوید: «این بود تلخیص آنچه از کتاب شعر معلم اول ارسطو در این بلاد (= ایران و سرزمین های اسلامی) یافت شد و مقدار قابل ملاحظه ای از آن هنوز باقی است و دور نیست که ما کوشش کنیم در علم شعر مطلق و علم شعر به حسب عادت این روزگار سخنی بیاوریم که دستیابی بدان و تفصیل آن کاری است دشوار» دکتر عبدالرحمن بدوی که متن فن شعر شفا را تصحیح و چاپ کرده است به خاطر این عبارت ابن سینا را مورد انتقاد قرار می دهد. می گوید: این از آن وعده های سر خرمنی است که وی داده و هرگز بدان عمل نکرده است و ترجیح می دهد که منظور ابن سینا از عبارت «مقدار قابل ملاحظه ای از آن باقی است» این باشد که مقدار قابل ملاحظه ای از متن بوطیقای ارسطو هنوز باقی است که در ترجمه های رایج میان مسلمانان، آن بخش ها موجود نیست نه اینکه منظورش این باشد که از مباحث این فن هنوز مقدار قابل ملاحظه ای باقی است). و بعد می فرماید که نظر به اینکه شیخ هر چه در رابطه با شعر در نجات و دانشنامه علایی فرموده اند غیر از تلخیص فن شعر شفا نیست پس آن حلقه مفقوده جوامع علم الموسیقی ریاضیات شفا است چنان که در پاراگراف آخر صفحه ۳۴۱ و ادامه صفحه ۳۴۲ همان فصل از همان کتاب می نویسند که: (به گواهی کتاب شناسی آثار ابن سینا و اطلاعاتی که ابو عبید و دیگران از زندگی نامه و آثار او داده اند، وی هرگز کتابی دیگر در باب فن شعر ننوشت و اگر در آثار منطقی دیگرش از قبیل نجات و دانشنامه علایی بحثی در باب شعر کرده است از حد همین آراء مندرج در فن شعر شفا بیرون نرفته است. اما برای کسی که بخواهد به مجموعه آراء او در باب شعر نظری بی افکند، غفلت از جوامع علم الموسیقی نابخشودنی است) این در حالی است که مسئله وزن شعر مسئله ای نیست که صرفاً در جوامع علم الموسیقی ریاضیات شفا مطرح شده باشد وزن به هیچ عنوان در فن شعر شفا مغفول واقع نشده است و ابن سینا در بوطیقای شفا در چند موضع مختلف به این مسئله پرداخته است چنان که در بالا نیز در سطر یازدهم همین مقاله اشاره شد اما غیر از آن در سایر بخش

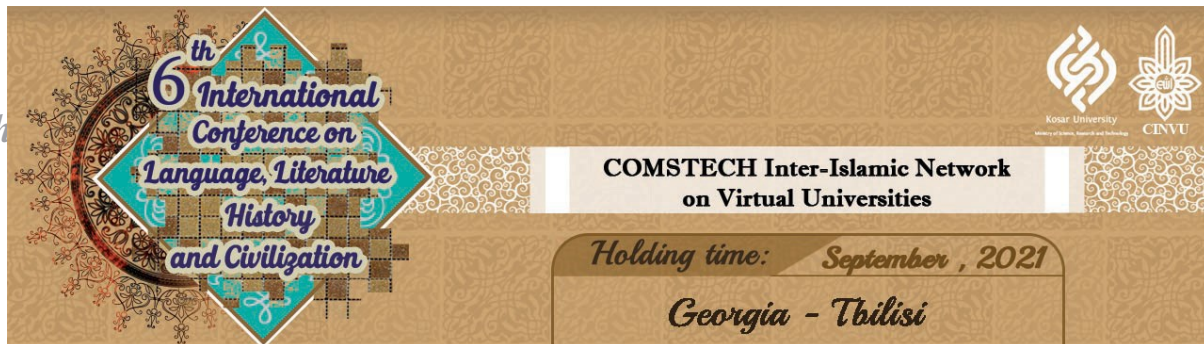


های بوطیقا نیز به مکرراً شیخ به وزن شعر پرداخته است چنان که در پاراگراف دوم صفحه ۳۲ جلد چهار منطق شفا ابن سینا طبع منشورات مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی آمده است که: (و شعر من جمله ما یخیل و یحاکی باشیاء ثلاثه باللحن الذی یتنغم به و بالكلام نفسه اذا کان مخیلاً محاکیا وبالوزن) و دکتر سید

محمود یوسف ثانی در پاراگراف دوم صفحه ۱۸۸ از فصل دوم ترجمه فن شعر منطق شفا ابن سینا در کتاب بوطیقای ارسطو به روایت حکمای اسلامی طبع موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران آن را این گونه ترجمه کرده اند که: (شعر از جمله امور خیال انگیزی است که با سه چیز محاکات می کند یکی لحن و آهنگی که با آن نغمه ها را اجرا می کنند دیگری خود گفتار، اگر خیال انگیز باشد و از چیزی محاکات کند دیگر وزن) فلذا به نظر می رسد که مراد استاد شفیعی کدکنی بحث از وزن شعر به معنی اعم نبوده است و نظر ایشان معطوف به بحث از گونه خاصی از علم عروض غیر هجایی می باشد و قرینه این استنباط می تواند تقطیع تنن تنن به دو متحرک و یک ساکن در تنن و سه متحرک و یک ساکن در تنن در صفحه ۳۵۷ فصل شعر و اوزان شعر با عنوان فرعی ابن سینا و طبقه بندی بخور عروضی کتاب موسیقی شعر ایشان که در واقع بنا به پاورقی اول ۳۵۱ ترجمه فصل پنجم از مقاله پنجم جوامع علم الموسیقی شفا ابن سینا است باشد.

### (یافته ها)

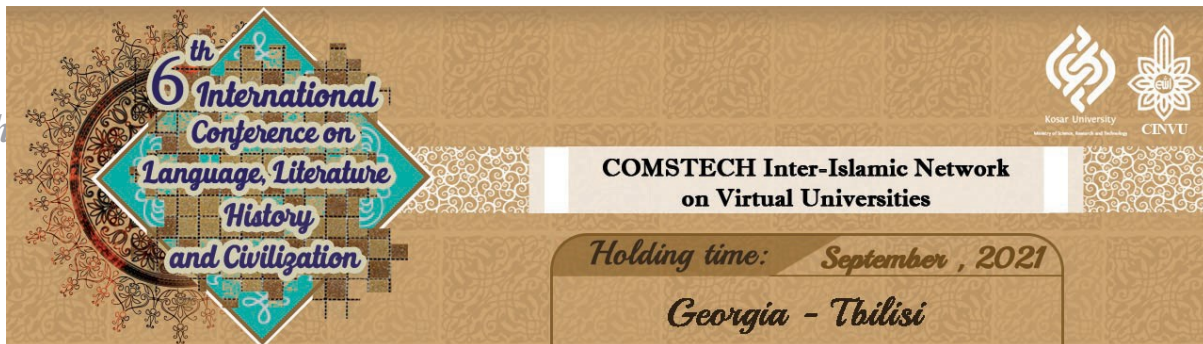
در پاراگراف سوم صفحه ۱۰۷ فصل اول مقاله پنجم جوامع علم الموسیقی ریاضیات شفا ابن سینا ترجمه استاد سید عبدالله انوار طبع بنیاد علمی فرهنگی بوعلی سینا آمده است (حروف گاه ساکن شنیده می شوند و گاهی متحرک. زمان شنیده شدن حرف ساکن نصف زمان «واحد زمان» (عیار) قرار داده ایم) که استاد انوار در پاورقی چهارم همان صفحه توضیح می فرمایند که مراد زمان حرکت حرف حبسی است، شیخ در ادامه همان سطر در رابطه با توضیح نصف زمان واحد می نویسد که (و آن نصف زمان واحد) عبارت است از زمان انتقال از نقره. و هنگامی که حرف متحرک شنیده می شود و زمان آن نیز همان زمان واحد و عیار است و حرکت فقط در نصف آخر این زمان شنیده می شود. حرکت حقیقت به تنهایی به گوش می آید. گرچه ابتدا با حرکت جایز نیست، اما به واسطه ملاصقت حرکت با زمان حرکت - زمان حرف حبسی - چنین گمان می رود که حرکت با ملاصقت شنیده می شود، دلیل است بر این که حرکت به واقع پس از زمان ملاصق به عمل می آید نه با ملاصق) استاد سید عبدالله انوار در رابطه با توضیح ملاصقت حرکت با زمان حرکت در پاورقی پنجم همان صفحه می نویسند (پیوند خوردن زمان حرکت با حرکت: یعنی همراه شدن حرکت با زمان حرکت). شیخ در ادامه همان سطر در رابطه با تبدیل حرکت به مد در صورت امتداد و محدود شدن حرکت به واسطه حروف مد و لّین می نویسد که (چه اگر حرکت کشیده شود و طولانی گردد و به جایی رسد که منقلب شود به چیزی که معروف به مد است یعنی حروفی که معروف به مد و لّین اند، این حرکت به واسطه آن حروف محدود می گردد). استاد انوار در رابطه با این مطلب یعنی محدود شدن حرکت به واسطه حروف مد و لّین در صورت امتداد حرکت و تبدیل آن به مد در پاورقی هفتم همان صفحه که به اشتباه پاورقی چهارم ضبط شده است ارجاع می دهند که (این مطلب در شناخت باب مد و لّین بحث می شود). شناخت باب مد و لّین در صفحه ۷۸ جوامع علم الموسیقی ریاضیات شفا



مقاله سوم فصل چهارم تحت عنوان گفتار در اجناس ابعاد لینه بحث شده است که در آنجا شیخ تصریح به وجود ابعادی در ابعاد و اجناس لینه می نمایند چنان که در ابتدا فصل مذکور می نویسد<sup>(۱)</sup> در ابعاد و اجناس لینه ابعادی موجود است که از جمله اکبر کبار لحنیات اند. ویژگی این ابعاد آن است که وقتی باقی مانده به دو بعد تقسیم شود، این ابعاد بزرگ تر از باقی مانده خودند. ابعادی که دارای چنین ویژگی است دارای چند بعدند که زائد آن ها یک چهارم، یک پنجم و یک ششم است) استاد انوار در پاورقی اول همان صفحه زائد یک چهارم و زائد یک پنجم و زائد یک ششم را به ترتیب معادل پنج چهارم و شش پنجم و هفت ششم می دانند و مینویسند<sup>(۲)</sup> زائد یک چهارم یعنی یک و یک چهارم مساوی پنج چهارم و زائد یک پنجم یعنی یک و یک پنجم مساوی شش پنجم و زائد یک ششم یک و یک ششم مساوی هفت ششم). شیخ در ادامه همین سطر جهت تبیین این مطلب که به دلیل این که اگر زائد یک پنجم از ذی الاربع کم شود باقی مانده بیست هجدهم با زائد یک نهم که توان دوم زائد یک نهم یعنی یک و یک نهم که مساوی با ده نهم می باشد بزرگ تر از زائد یک پنجم که یعنی یک و یک پنجم که مساوی با شش پنجم و کوچک تر از زائد یک چهارم که یعنی یک و یک چهارم که مساوی با پنج چهارم است در زائد یک پنجم یعنی یک و یک پنجم مساوی با شش پنجم و زائد یک ششم یعنی یک و یک ششم مساوی هفت ششم ابعاد از توان دوم باقی مانده کوچک ترند، می نویسد<sup>(۳)</sup> اما در زائد یک پنجم و زائد یک ششم ابعاد از توان دوم باقی مانده کوچک ترند. زیرا اگر زائد یک پنجم از ذی الاربع کم شود، باقی مانده بیست هجدهم با زائد یک نهم است که توان دوم آن یعنی توان دوم زائد یک نهم بزرگ تر از زائد یک پنجم و کوچک تر از زائد یک چهارم است). استاد سید عبدالله انوار جهت شرح علت این که ابعاد در زائد یک پنجم که همان یک و یک پنجم مساوی شش پنجم و زائد یک ششم که همان یک و یک ششم مساوی هفت ششم است از توان دوم باقی مانده کوچک ترند در پاورقی دوم که به اشتباه چهار ضبط شده است می نویسد که<sup>(۴)</sup> اگر شش پنجم را از چهار سوم کسر کنیم باقی مانده زائده یک نهم یا بعد ده نهم است. به ماتریس زیر توجه کنید سه از سه پنجم ضرب در مخرج چهار ششم مساوی بیست است و چهار از چهار ششم ضرب در مخرج سه پنجم مساوی با هجده است پس بیست هجدهم مساوی است با ده نهم. کسر ده نهم را چون به توان دو برسانیم می بینیم از شش پنجم بزرگ تر است زیرا  $\frac{2}{1} = \frac{2}{1}$  شش پنجم است و ده نهم به توان دو مساوی است با صد هشتادم که مساوی است با  $\frac{1}{1} = \frac{2345679}{1}$ . از طرف دیگر ده نهم به توان دو کوچک تر از زائد یک چهارم یعنی یک و یک چهارم مساوی با پنج چهارم است، زیرا  $\frac{25}{1}$  مساوی است با پنج چهارم و ده نهم به توان دو با  $\frac{1}{1} = \frac{2345679}{1}$  مساوی است. (ملاحظه می فرمایید که هیچ کدام از این نکات که تمام مبانی عروض جدید را نیز پوشش می دهد در تقطیع هجایی مورد بحث و بررسی قرار نمی گیرد. امید است به تدریس و مدارسه تقطیع بر اساس ساکن و متحرک در مقاطع مختلف عالی رشته زبان و ادبیات فارسی و رشته ادبیات و علوم انسانی در مقطع متوسطه بیش از پیش اهتمام ورزیده شود.

(بحث و تحلیل)





پیش از این ضعیف جناب آقای دکتر بهروز محمودی بختیاری استاد دانشگاه تهران و سرکار خانم نفیسه سرایلو کارشناس ارشد زبان شناسی مقاله ای تحت عنوان ویژگی های زبانی متن دانشنامه علایی ابن سینا در شماره مسلسل ۲۰۴ نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز سال ۵۱ بهار و تابستان ۸۷ به طبع رسانده اند که در آن جا اگر چه بسامد لغات عربی و فارسی در دانشنامه به تفصیل سخن رفته ولیکن ایشان فارسی دری را از فارسی پهلوی تمیز نداده اند ضمن این که در تشخیص ریشه برخی لغات دچار اشتباه اساسی شده اند. اما بنده در ستون زیر لغات پهلوی و لغات عربی و لغات معرب را با اصل مبدأ آن ها را نوشته ام این لغات متعلق به دیباچه منطق دانشنامه علایی است و نشان دهنده میزان بسامد استفاده شیخ از لغات عربی در آثار فارسی ایشان می باشد. اما آنچه در این میان مهم تر جلوه می کند این است که علی رغم علاقه و عرق شیخ به فارسی نویسی، ایشان به هیچ وجه به صورت افراطی و بیمار گونه مبتلا به سره نویسی و در کنار وضع لغات معادل فارسی برای کلمات عربی، از لغات مستعمل زبان عربی نیز در موضع مناسب استفاده کرده است در حالی که به راحتی معادل هوایی برای آن ها در زبان فارسی به ذهن متبادر می شود مانند علم که به راحتی می توانست به جای آن دانش به کار برود چنان که در سایر مواضع آن را استعمال کرده است همین امر نسبت به ضبط دقیق لغات یونانی در آثار عربی شیخ نسبت به مترجمین بعضی زبان ها دیده می شود مثلاً تلفظ ژ به جای G در تراژدی که شیخ با و مترجمان عرب نویس با وسواس دقیق علمی آن را به صورت طراغودیا معرب کرده اند که واج غین سبت به ژ به گاف نزدیک تر است

محمد

مصطفی

اهل

بیت

ملک

عادل

موید

Arch



منصور

عضد

الدين

علا

دولة

فخر

ملة

تاج (معرب)

ائمه

ابو

جعفر

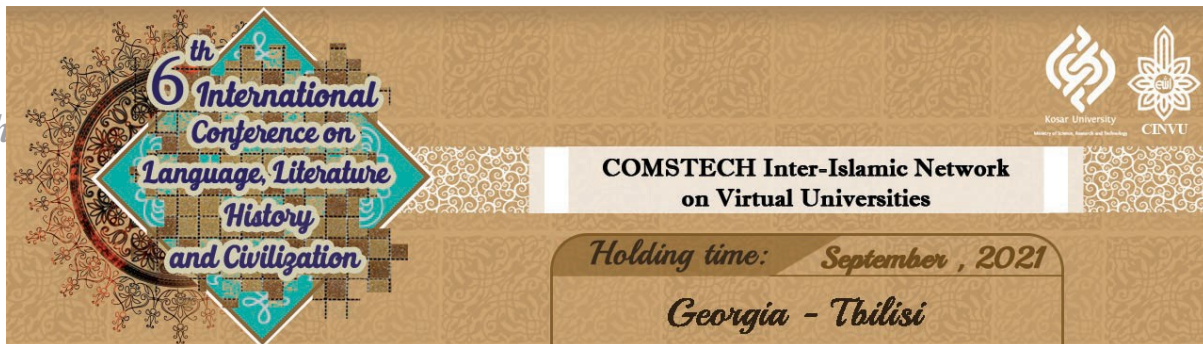
بن

مولى

امير

مومنين

Arch



زندگانی/دری از پهلوی

خادم

اندر/دری از پهلوی

خدمت

ایمنی

کفایت

خادمان

مجلس

کتاب

تصنیف

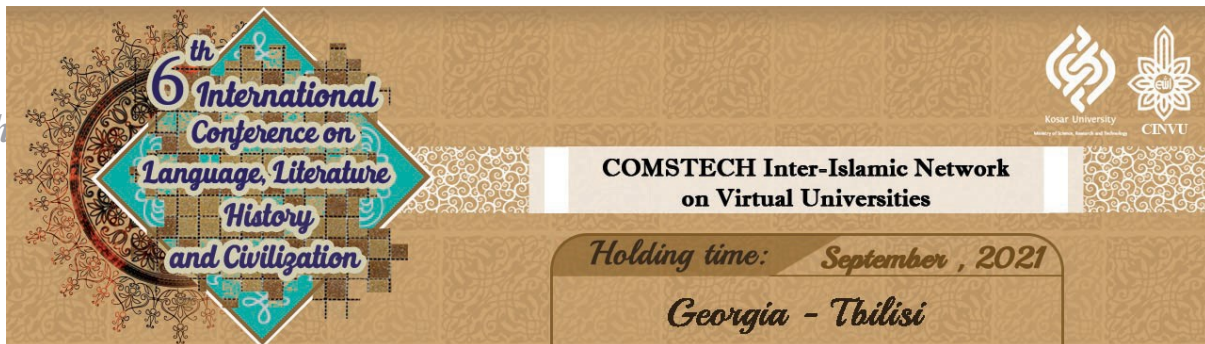
اندر/دری از پهلوی

اصل

علم

علم

Arch



حکمت

غایت

اختصار

علم

منطق

علم

علم

طبیعیات

علم

حس

اندر/دری از پهلوی

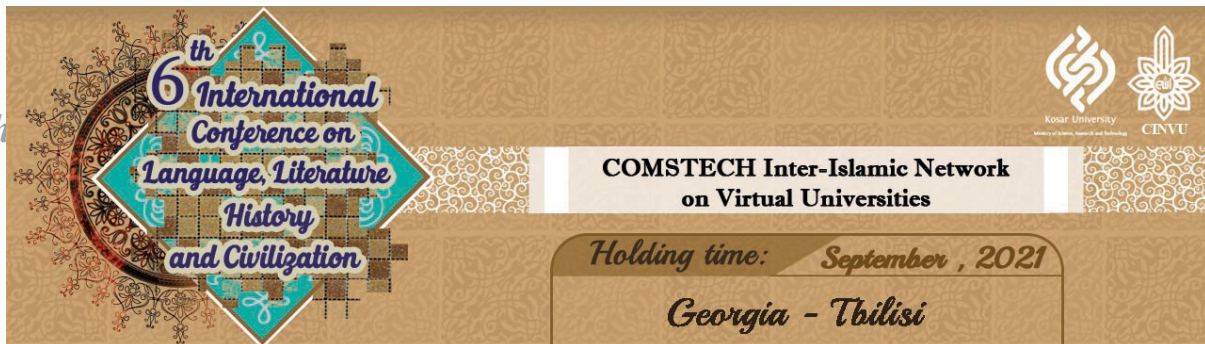
علم

هیأت

عالم

صورت

Arch



حقیقت

علم

موسیقی / معرب از یونانی

سبب

لحن

علم

طبیعت

اختیار

علم

منطق

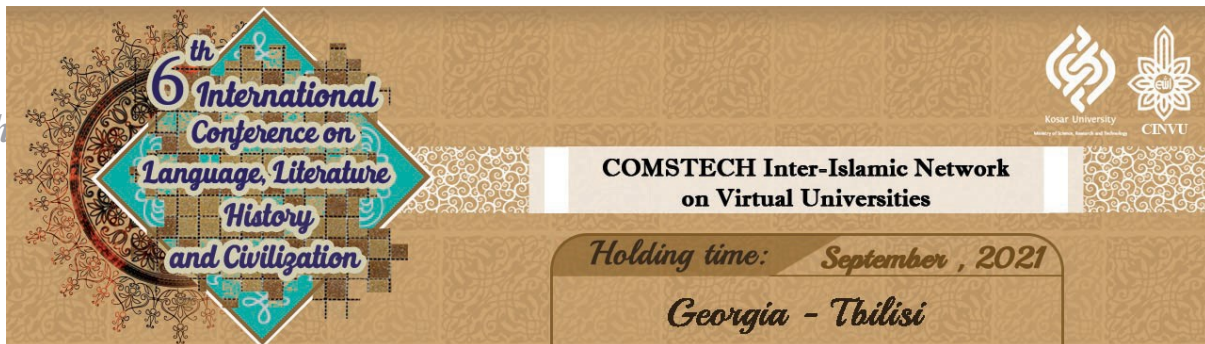
حیله

علم

تدریج

علم

Arch



خلاف

رسم

عادت

حوالت

علم

علم

خادم

علم

علم

قدر

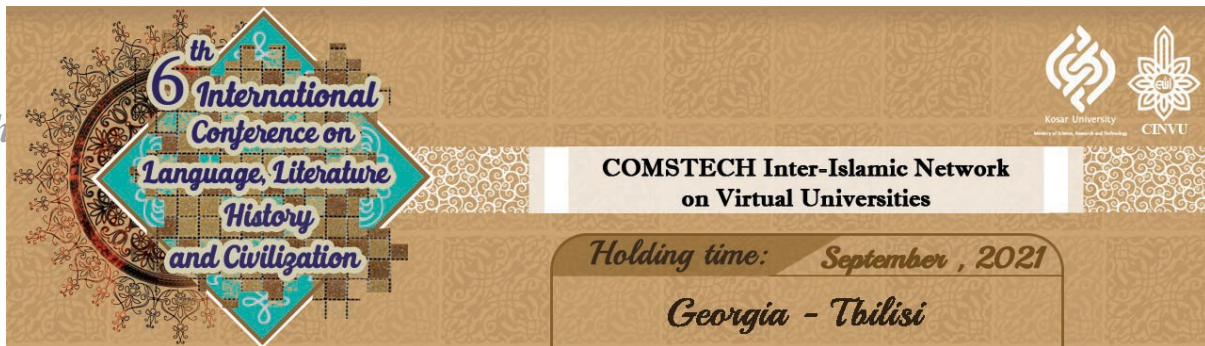
طاعت

ولی (از ولایت با مترادف اما اشتباه نشود)

نعمت

طاعت

توفیق



توکل

مشغول

(بحث دوم مقایسه و مقابله ترجمه ابن سینا از بوطیقا ارسطو با سایر ترجمه ها و اصل یونانی موجود)

(ابن سینا ۱):

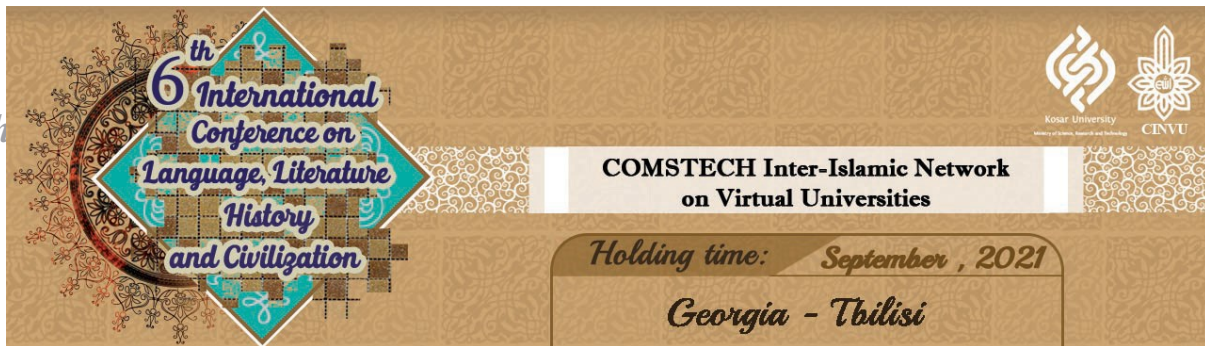
فقول الان اما الکلام فی الشعر و انواع شعر و خاصه کل واحد منها و وجه اجاده قرض الامثال و خرافات شعریه و هی الاقاویل متخیله و ابانه اجزاء کل نوع بکمیته و کیفیته

(ابن سینا) سینا - یوسف - ثانی (۱):  
در باره شعر و انواع آن و ویژگی های هر یک از آن ها و این که داستان ها و افسانه های شعری را که سخنانی است خیال انگیز چگونه به خوبی می توان ساخت و همچنین آشکار ساختن کمیت و کیفیت اجزای هر نوعی می گوئیم (ارسطو - شیرمرز ۱):

در برخورد با در مقوله شعر، نخستین پرسش من این است که شعر چیست؟ و در ادامه به گونه های شعر می پردازم آن گاه از ویژگی و کارکرد هر گونه شعر، ساختمان بندی و خوش ساختی هر یک از این گونه ها در جریان خلق شاعرانه و ماهیت و کمیت عناصر تشکیل دهنده شعر خواهیم گفت و نقبی به سایر اجزا و اصول دخیل در این جستار خواهیم زد. (ارسطو - مجتبابی ۱):

قصدا ما آن است که از شعر و انواع آن گفتگو کنیم و وظیفه خاص هر یک را بشناسیم و معلوم داریم که کدام طرح برای بنای یک شعر خوب شایسته است و سپس تعداد و کیفیت اجزای هر نوع را مشخص سازیم

(ارسطو - زرین کوب ۱):



سخن ما درباب شعر است و درباب انواع آن و این که خاصیت هر یک از آن انواع چیست و افسانه ای را که مضمون شعر است چگونه باید ساخت تا خوب باشد و آن گاه سخن از کم و کیف اجزا و و از سایر اموری که به این بحث مربوط است خواهیم گفت .

توضیح: دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی در صفحه هشت فصل اول کتاب صور خیال در شعر فارسی می نویسد که ارسطو خود در تعریفی که از شعر می دهد همانگونه که در بحث تخیل یاد شده، در حقیقت بنیاد تعریف خود را بر «خیال» استوار می کند).

(ابن سینا ۲):

و شعر من جمله ما یخیل و یحاکی باشیاء ثلاثه

(ابن سینا-یوسف ثانی ۲):

شعر از جمله امور خیال انگیزی است که با سه چیز محاکات می کند

(ارسطو-شیرمرز ۲):

اگر چه از سه منظر با یکدیگر متفاوت اند.

(ارسطو-مجتبایی ۲):

ولی با یکدیگر از سه جهت اختلاف دارند

(ارسطو-زرین کوب ۲):

اما از سه جهت با یکدیگر تفاوت و اختلاف دارند.





(ابن سینا۳):

باللحن الذی یتنغم به

(ابن سینا-یوسف ثانی ۳):

یکی لحن و آهنگی که با آن نغمه ها را اجرا می کنند

(ارسطو-شیرمرز ۳):

ابزار

(ارسطو-مجتبایی ۳):

وسیله تقلید

(ارسطو-زرین کوب ۳):

زیرا یا وسایل محاكاة در آن ها مختلف است.

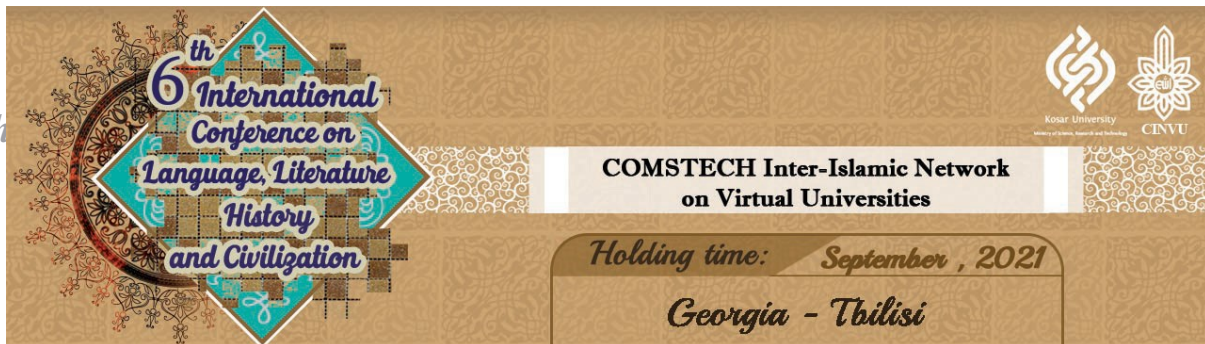
(ابن سینا ۴):

و بالكلام نفسه اذا كان مخيلا محاكيا

(ابن سینا-یوسف ثانی ۴):

دیگری خود گفتار، اگر خیال انگیز باشد و از چیزی محاکات کند

(ارسطو-شیرمرز ۴):



موضوع

(ارسطو-مجتبایی ۴):

موضوع تقلید.

(ارسطو-زرین کوب ۴):

یا موضوع محاكاة متفاوت است.

(ابن سینا ۵):

و بالوزن

(ابن سینا-یوسف ثانی ۵):

دیگر وزن

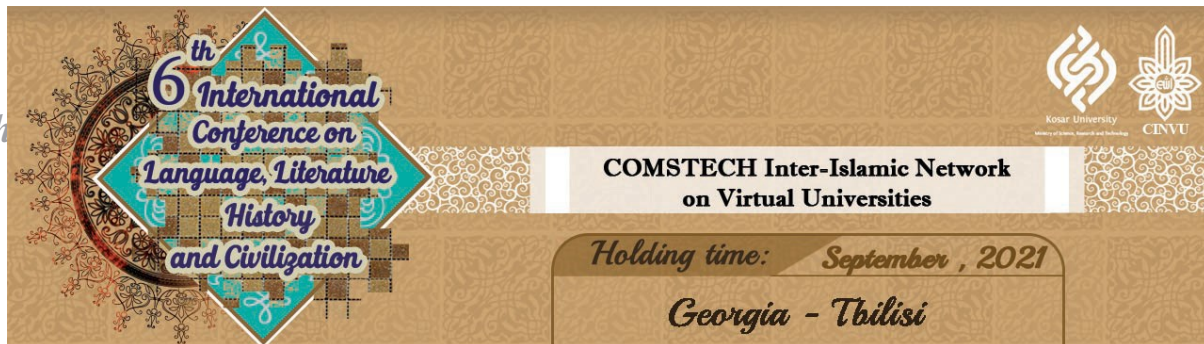
(ارسطو-شیرمرز ۵):

شیوه تقلید

(ارسطو-مجتبایی ۵):

طریقه تقلید.

(ارسطو-زرین کوب ۵):



یا شیوه محاکاه در آن ها تفاوت دارد

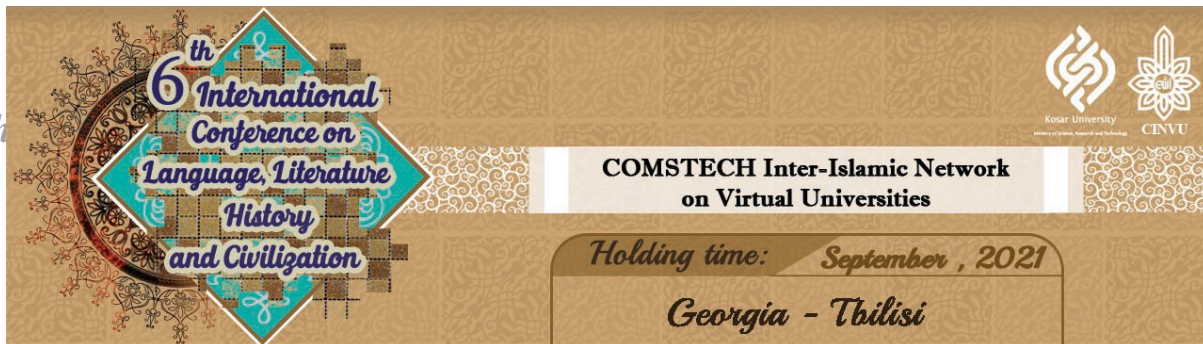
توضیح: اگر چنانچه واقعاً مراد از شیوه تقلید وزن شعر بوده باشد شاید بتوان گفت یکی از بهترین تعاریفی که در مورد آن ارائه شده است تعریف خود ابن سینا است چنان که در فصل اول مقاله پنجم جوامع علم موسیقی ریاضیات شفا ترجمه استاد سید عبدالله انوار طبع انتشارات بنیاد علمی و فرهنگی بوعلی سینا صفحه ۱۰۶ آمده است که حروف در هنگام خروج شان بر دو وجه اند: یکی از آن دو وجه به طریق حبس صدا و سپس اطلاق آن به وجود می آید. دوم بر سیل کشیدن صوت در خلل، مانند محبس ها و فرجه ها. همچنین است صفحه ۲۵۳ مبحث سخن اندر ایقاع رساله موسیقی دانشنامه علایی تصحیح و تحشیه تقی بینش طبع انتشارات مولی که می نویسد هر نقره که از او انتقال کنند بنقره دیگر یا آن مدت که میان دو نقره بود چنان بود که هنوز اثر این نقره اول از خیال ناپیدا نشده بود که نقره دیگر آید یا چنان بود که گویی هر دو بهم آمده و یا نه چنین بود.

### (روش تحقیق بحث و نتیجه گیری)

در رابطه با میزان تعهد و وفاداری علمی ایشان نسبت به اصل متن یونانی بوطیقای ارسطو ما در بخش نهایی مقاله حاضر کوشیدیم ترجمه شیخ را بر اساس نسخه چاپ قاهره و برگردان فارسی آن توسط دکتر سید محمود یوسف ثانی را با ترجمه استاد فتح الله مجتبابی از یک ترجمه انگلیسی و دو ترجمه فرانسه و یک ترجمه عربی عبدالرحمن بدوی در کنار ترجمه ابن سینا و مرحوم زرین کوب از فرانسه و انگلیسی و متن یونانی طبع موسسه گارنیه و جناب آقای رضا شیرمرز از اصل یونانی بوطیقای ارسطو تطبیق دهیم به این نحو که عبارت های فصل اول بوطیقا را به صورت مجزا از یک دیگر آوردیم و سپس قرابت ها و فاصله های هر کدام را با عبارت متناظر خودش در متن مقابل مورد بررسی قرار دادیم و متوجه بسامد تقریبی قرابت ها و فاصله های مترجم با ارسطو شدیم.

### منابع:

- شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۸۹)، موسیقی شعر، تهران، انتشارات آگاه
- شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۶۶)، صور خیال در شعر فارسی، تهران، انتشارات آگاه
- طاليس، ارسطو، (۱۳۹۶)، بوطیقای ارسطو به روایت حکمای اسلامی، (مترجم: سید محمود یوسف ثانی)، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تاریخ اصل اثر: ۳۳۳ قبل میلاد)
- ابن سینا، حسین بن عبدالله، (۱۳۹۴)، دانشنامه علایی، تهران، مولی
- ابن سینا، حسین بن عبدالله، (۱۳۹۳)، جوامع علم موسیقی ریاضیات شفا، (مترجم: سید عبدالله انوار) همدان، بنیاد علمی و فرهنگی بوعلی سینا، (تاریخ اصل اثر: ۴۱۷ قمری)
- طاليس، ارسطو، (۱۳۹۷)، شاعری (بوتیقا)، (مترجم: رضا شیرمرز) تهران، انتشارات ققنوس، (تاریخ اصل اثر: ۳۳۳ قبل میلاد)



طاليس، ارسطو، (۱۳۳۷)، هنر شاعری (بوطيقا)، (مترجم: فتح الله مجتبایی)، تهران، بنگاه نشر اندیشه، (تاریخ اصل اثر: ۳۳۳ قبل میلاد)

طاليس، ارسطو، (۱۳۴۳)، فن شعر، (مترجم: دکتر عبدالحسين زرین کوب)، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، (تاریخ اصل اثر: ۳۳۳ قبل میلاد)

ابن سینا، حسین بن عبدالله، (۱۴۰۵ قمری) شفاء، قم مقدسه، منشورات مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (تاریخ اصل اثر: ۴۱۷ قمری)

موحد، ضیاء (۱۳۹۴) تأملاتی در منطق ابن سینا و سهروردی، تهران، انتشارات هرمس با همکاری موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

ذبیحی، محمد، (۱۳۸۹) فلسفه مشاء با تکیه بر اهرام آراء ابن سینا، تهران، سمت مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی  
عابد الجابری، محمد، (۱۳۸۷) ما و میراث فلسفی مان، (مترجم: سید محمد آل مهدی)، تهران، نشر ثالث، (تاریخ اصل اثر: ۲۰۰۴)

سالم، مریم، (۱۳۹۴)، تقسیم موجود به واجب و ممکن، فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت دانشگاه شهید بهشتی  
سالم، مریم، (۱۳۸۹)، تحلیل معنایی علیت در فلسفه ارسطو و ابن سینا، دو فصلنامه علمی پژوهشی حکمت سینوی مشکوه النور

طیب نیا، محمد صالح، (۱۳۹۱) تفاوت رویکرد ارسطو و ابن سینا در اثبات وجود خدا، مجله علمی پژوهشی الهیات تطبیقی  
درواری، امیر (۱۳۹۳)، سکنه عروضی در شعر ناصر خسرو، فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) سال هفتم، شماره دوم

معین، محمد (۱۳۹۵)، مزدیسنا و ادب فارسی جلد دوم، تهران، دانشگاه تهران  
محمودی بختیاری، بهروز، (۱۳۸۷)، ویژگی های زبانی متن دانشنامه علایی ابن سینا، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۵۱، شماره متوالی ۲۰۴